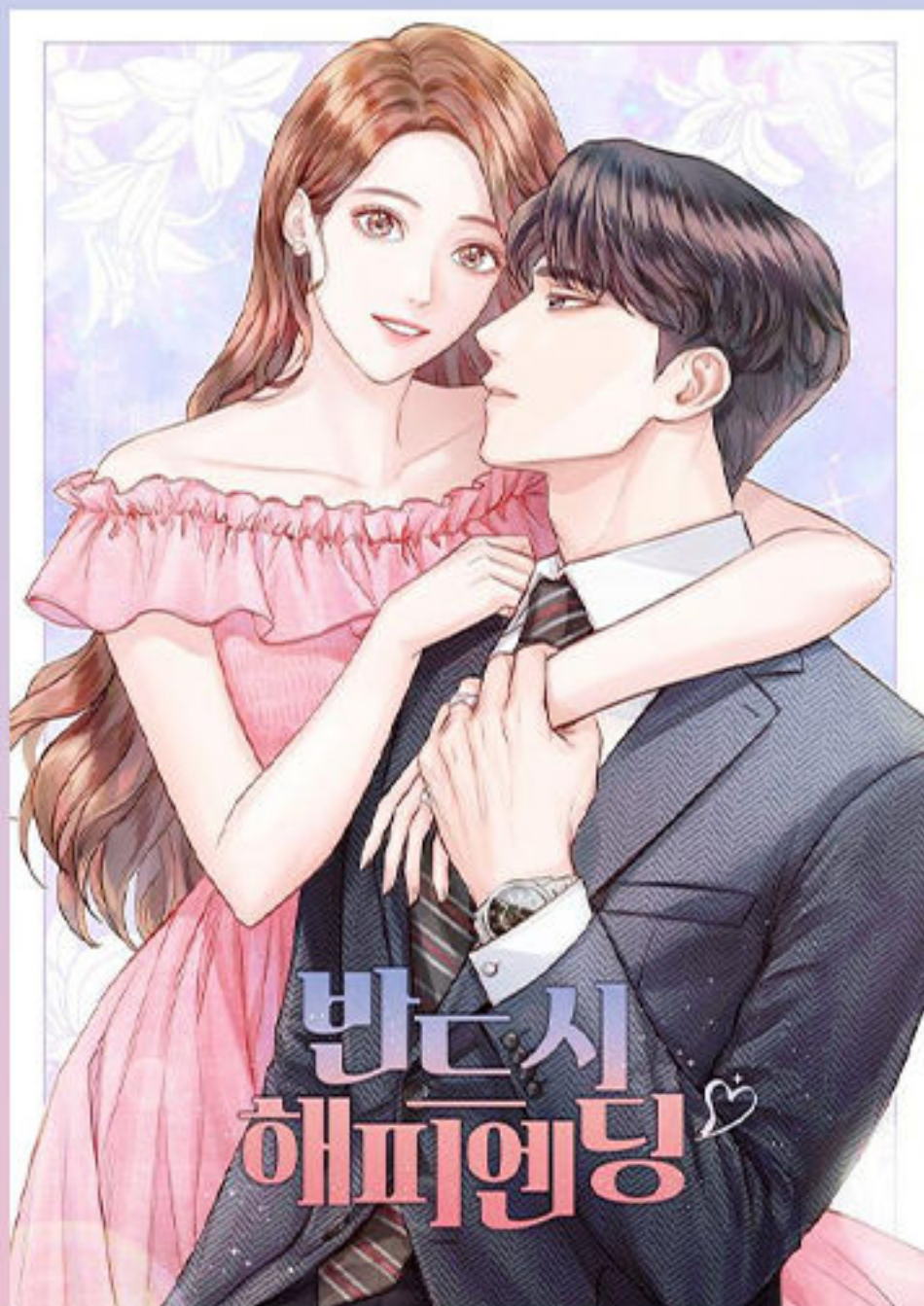




IRISEKAI



T.me/IriSekai



instagram.com/IrisSekai

Twilight
Hell
Robin

مترجم:

کلینر:

تایپیست:

بعد از اینکه بیدار
شدم ، فهمیدم همه
چی به رویا بوده



یه چیزی مثل
همون چیزایی که تو
عموم رمان ها عاشقانه
خوانده ام، بود

خفید شدن! *



اگه خواب ببره و
برگردم به صد روز
گذشته چی کار کنم؟

نباید ...



بخوابم ...





크윽...

zzz

*... خروپف

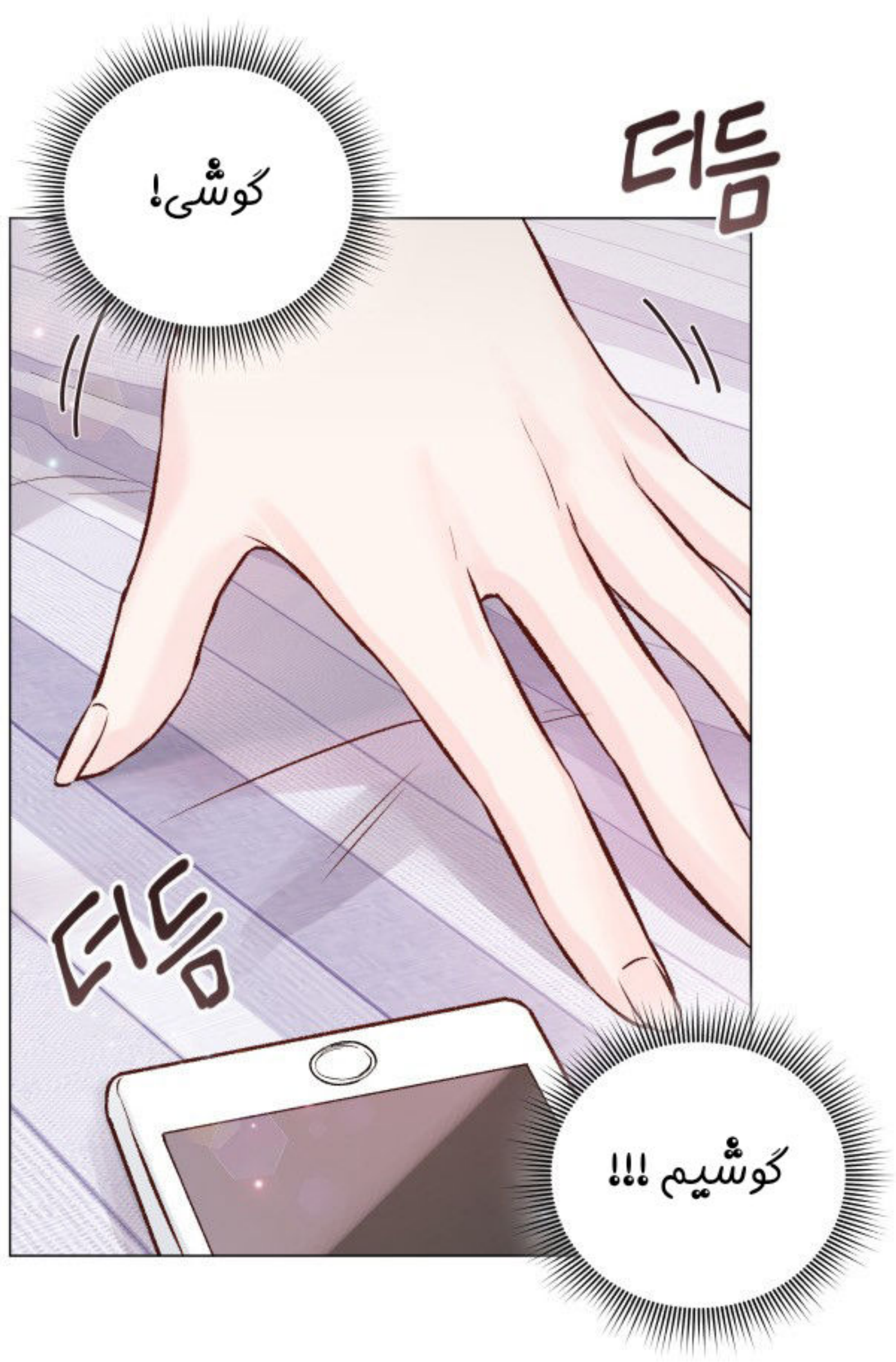




وااااای!



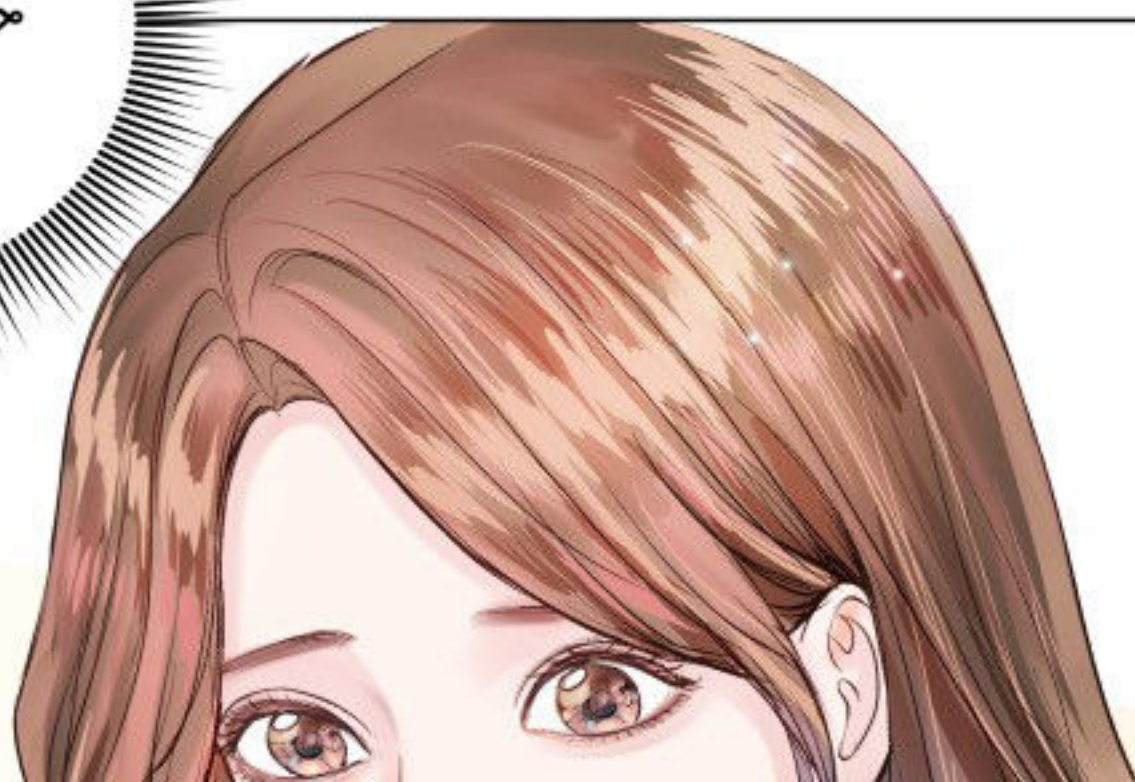
مخوابم پرد !!!



7:00

یکشنبه، ۲۶ نوامبر

مُدارو شکر...



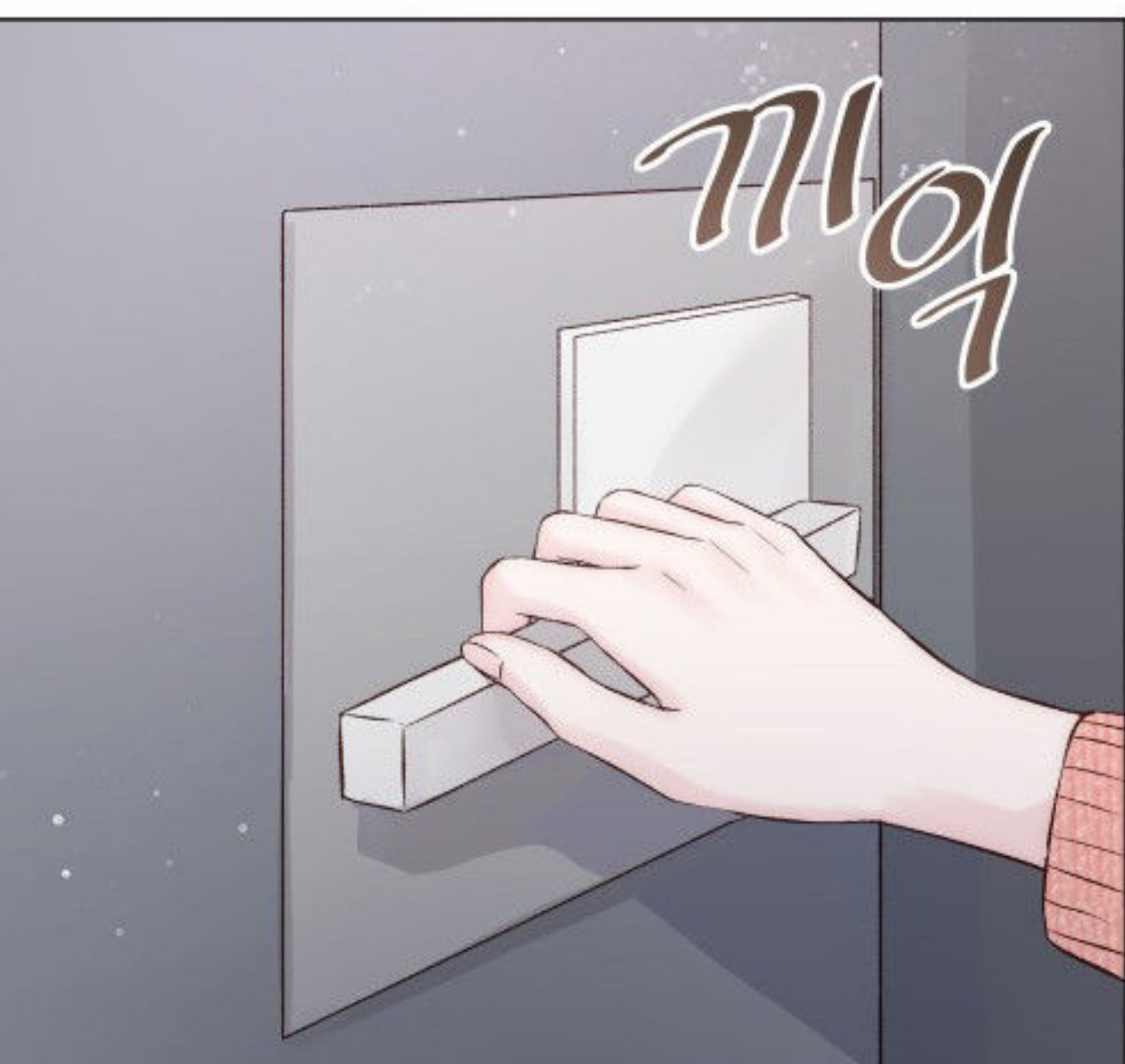


برنگشتم به
صد روز گذشته

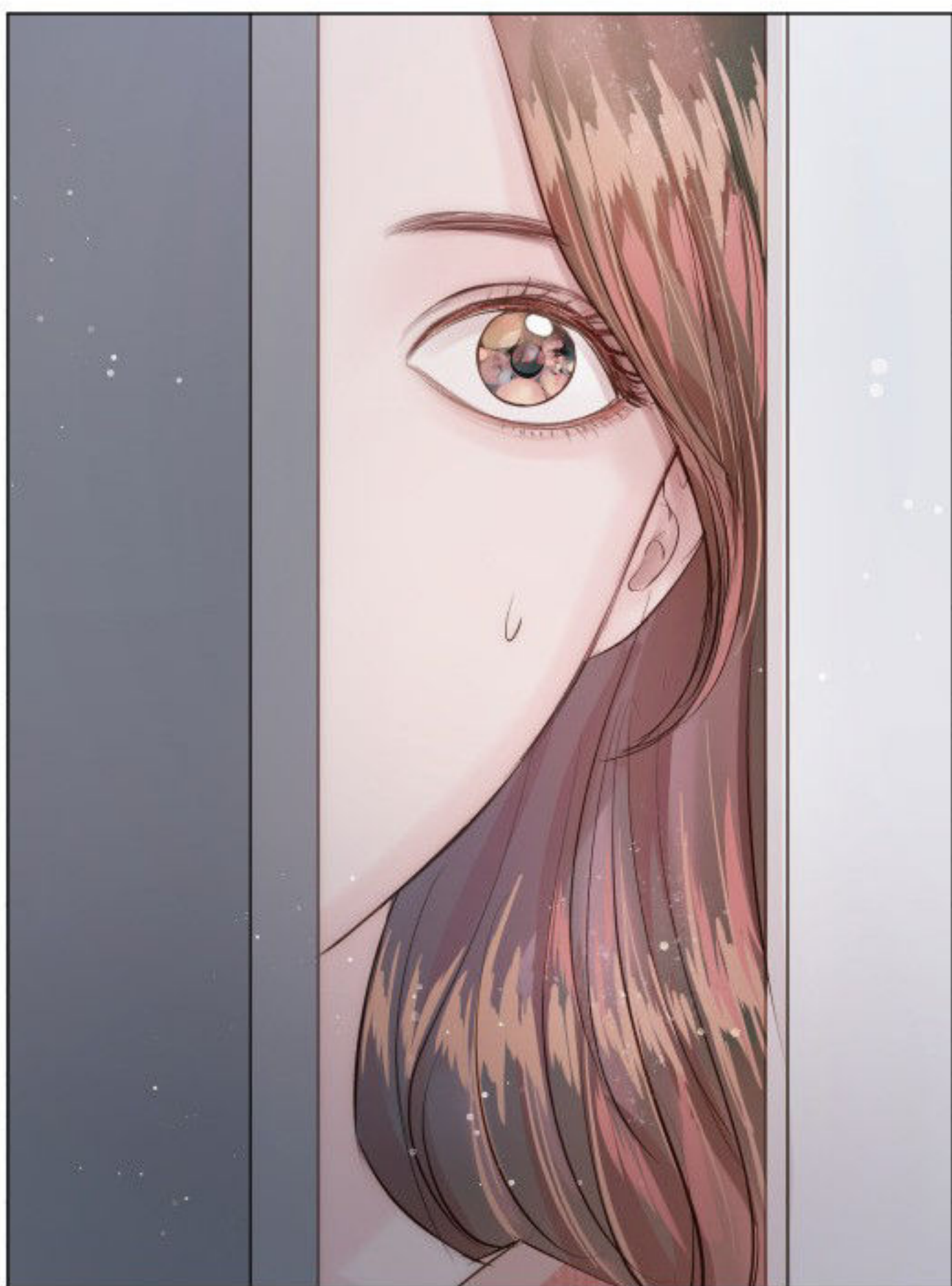
این یکی دیگه
خواب نیست



این واقعا واقعیته



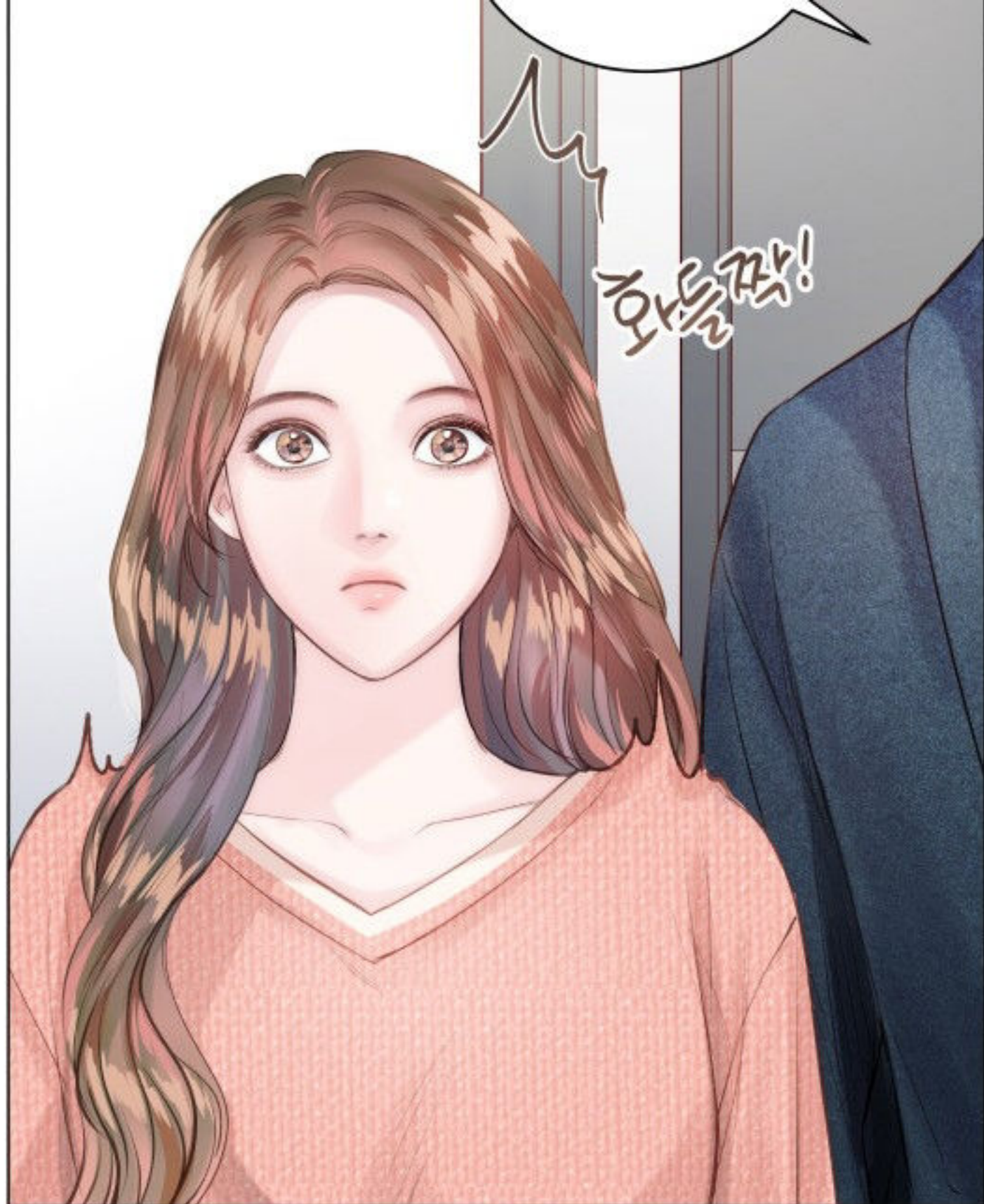
ای



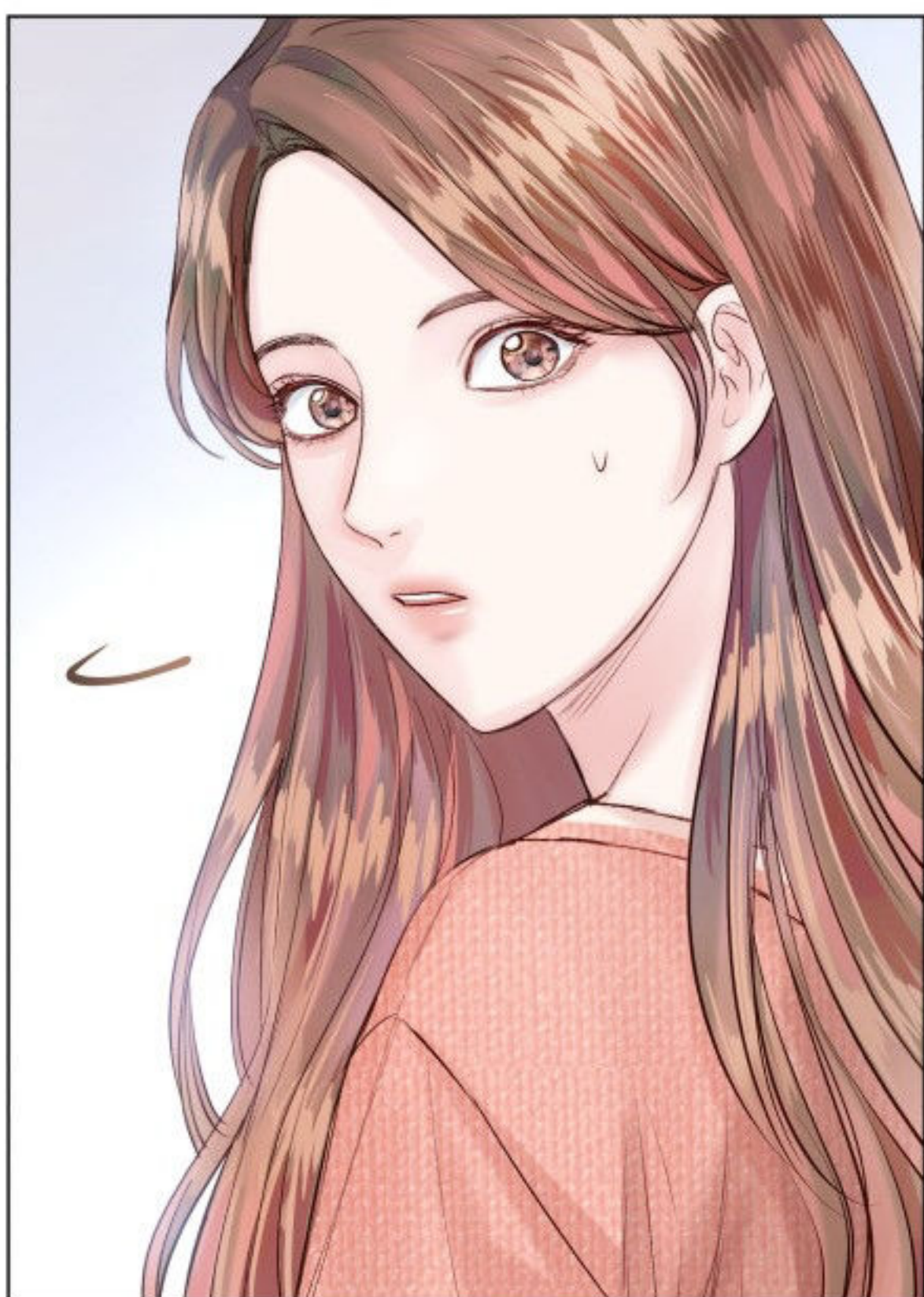


اون اينجا نيست

دنبال من
مي گشتي



شده شدن *





تو که به فضای
من حمله نمی کنی،
می کنی؟

واای... *

هاهاها...
سونبه ...



این دفعه دیگه
چه پنهان ای
پتراشم؟



خودشه!

꿀떡

از اونجایی
که اینجام بذار
اینو بگم

گمونم ...



ما باید با همدیگه
زندگی کنیم بدون اینکه
نگران حمله کردن به فضا
های همدیگه باشیم

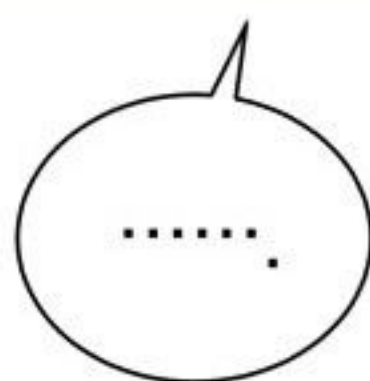
لطفا بذار من
به اینجا رفت و آمد
کنم





به فضای من
رفت و آمد کنی؟







باشه ، حتما

هان؟! می خوابه
همین آسونی بهم
اجازه بده؟



اگه می دونستم
به همین آسونیه زودتر
می گفتم

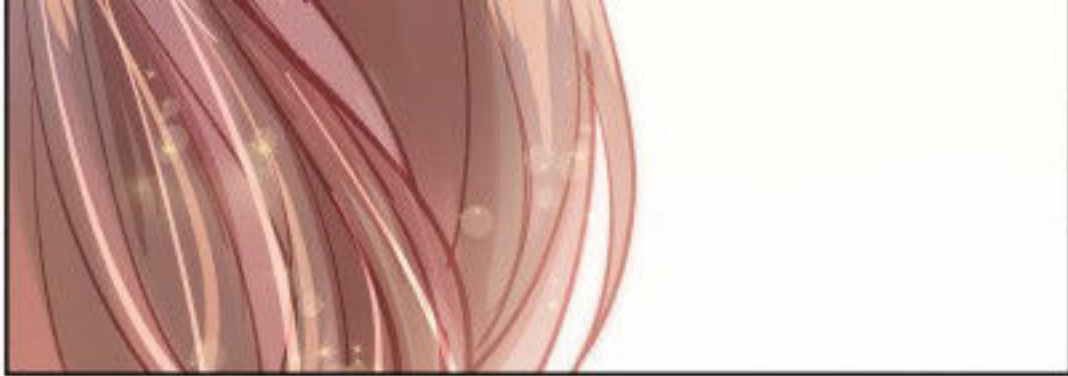


پس منم میتونم
آزادانه به اتاقت رفت
و آمد داشته باشم
درسته؟

البته !

باشه همین
کار رو کنیم

힐끔



واقعاً به همین
آسونی داره این اجازه
رو به من میدہ؟





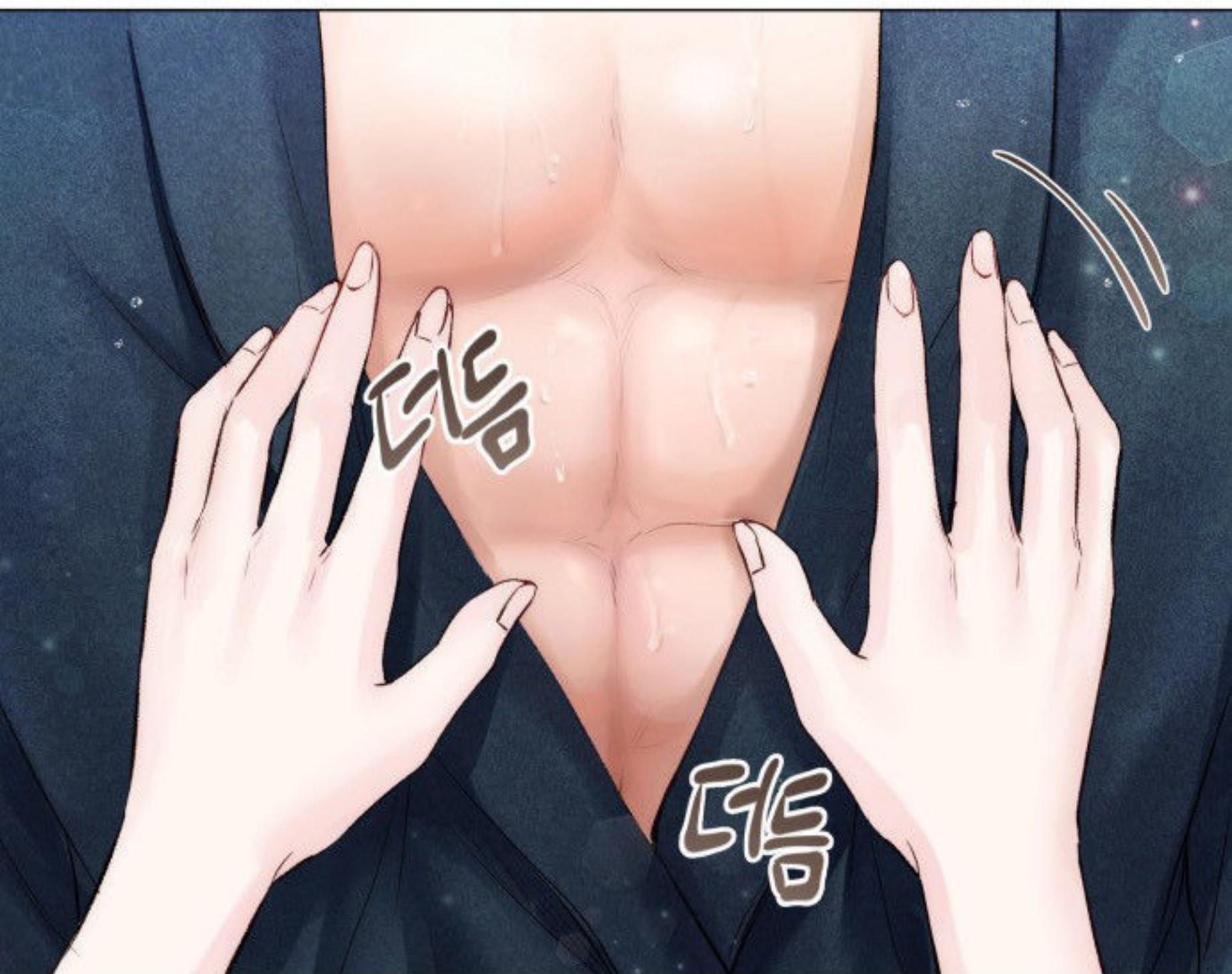
این مرد واقعا
کانگ سون چه است؟



نزدیک شدن *



روحش یا
یه همچین چیزی
نیست؟



الان داری به
من دست میزنی یا
لباسام؟





گرفتار *



چشم غره *

ش-شرمنده!
دیگه این کار رو نمی کنم

자재익



쭈글

خشک شدن *





من دیگه میرم

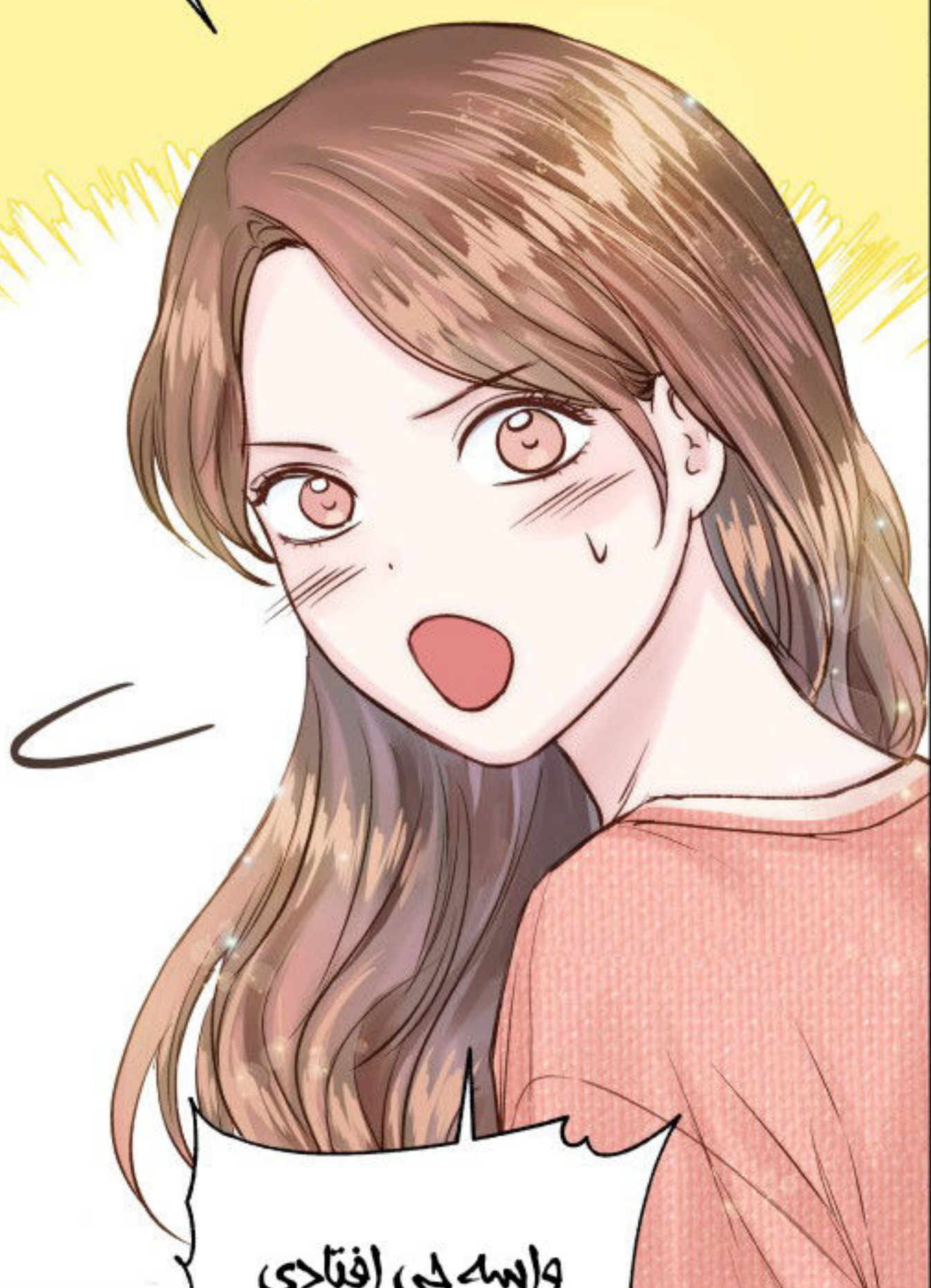


رنبال کردن *۳*





واسه پی ...



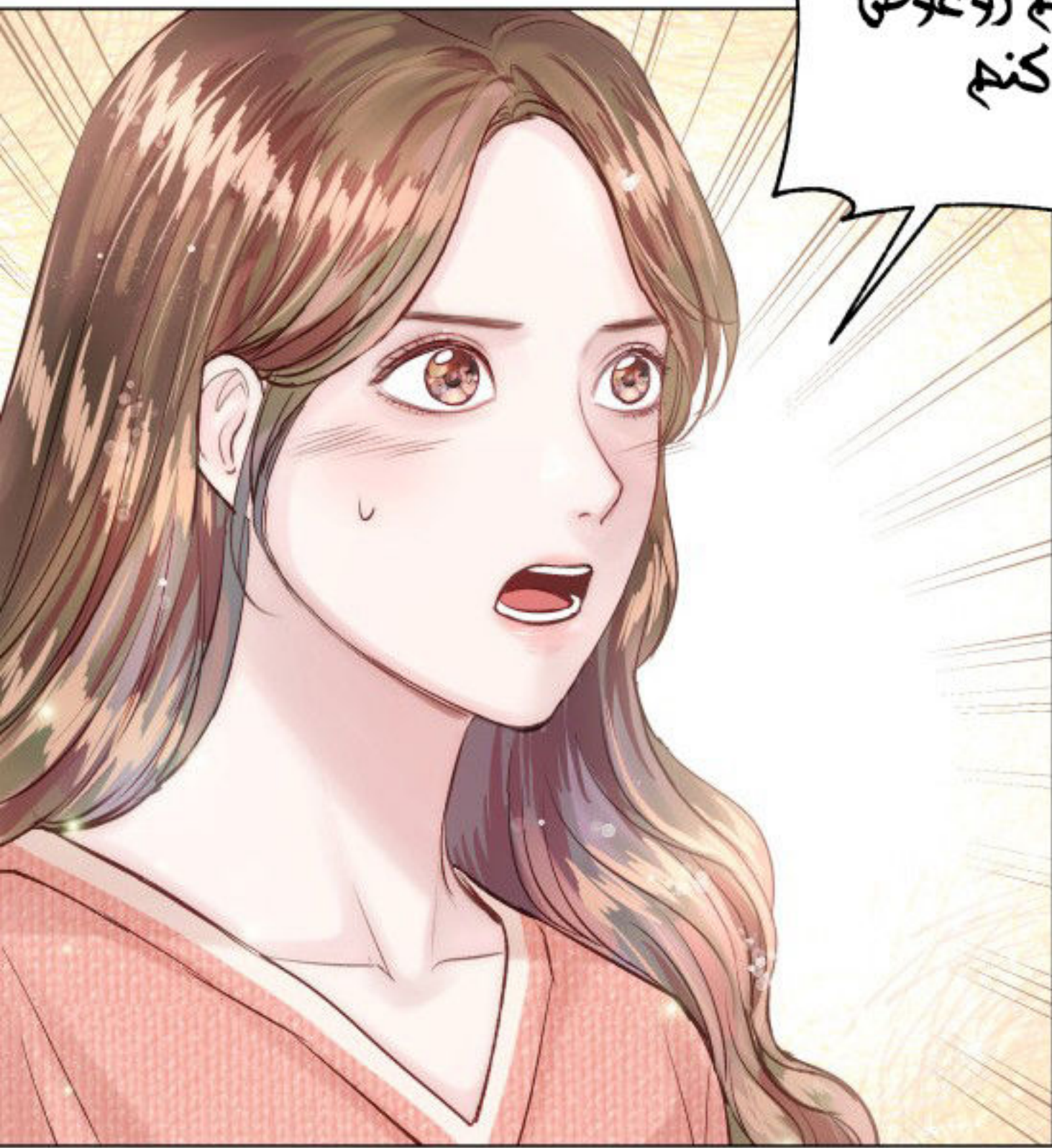
واسه پی افتادی
دنبال من؟

از اون جایی که
هر وقت بخوام میتونم
برم پیام ...



دلم خواست

ولی می خواهم
لباسام رو عوض
کنم



خب عوض کن
کی جلو تو گرفته؟





باید تو ببری
که عوضی کنم!

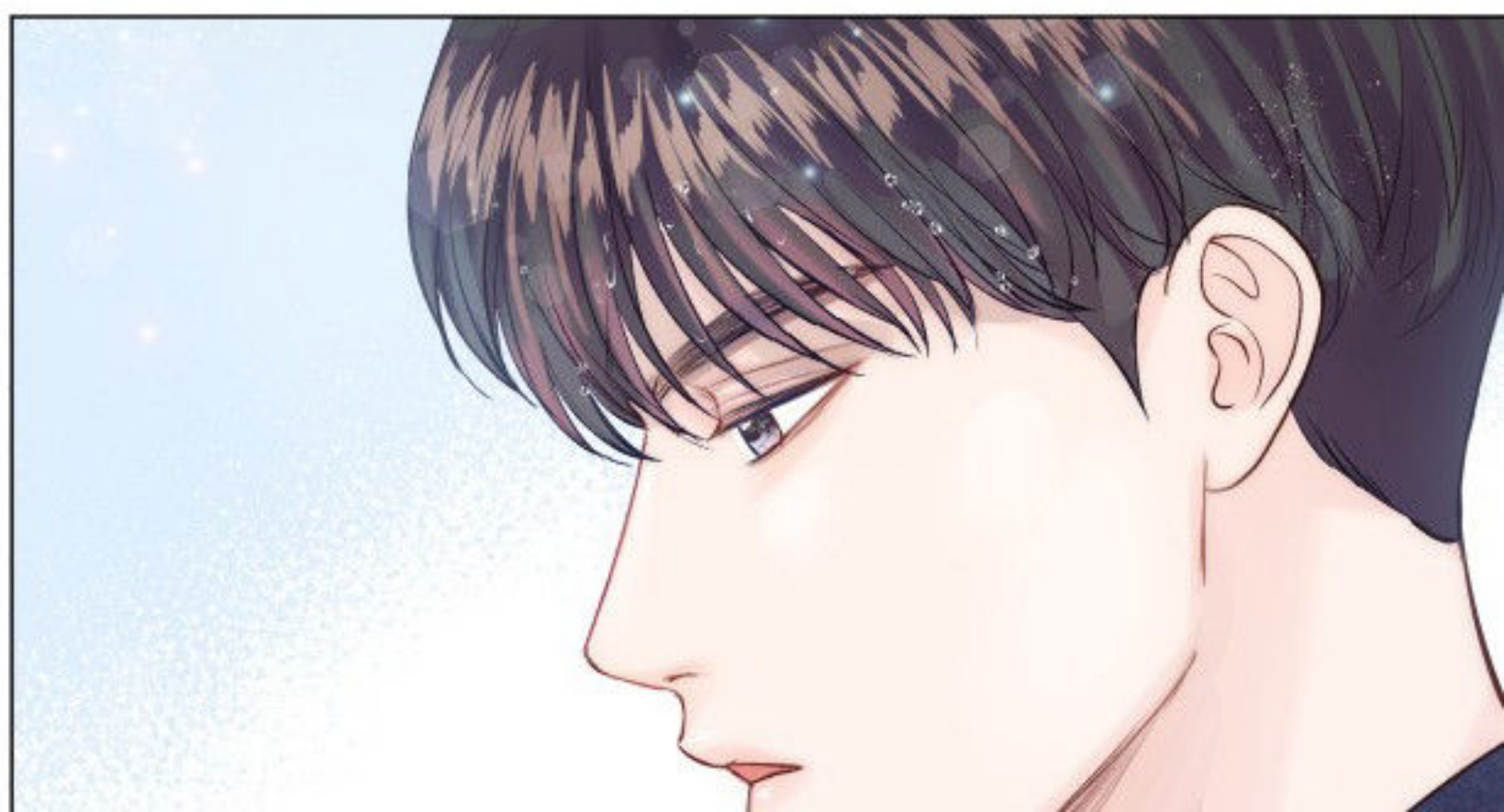


بی خیال من
شو و عوض شون
کن

هل دارن *

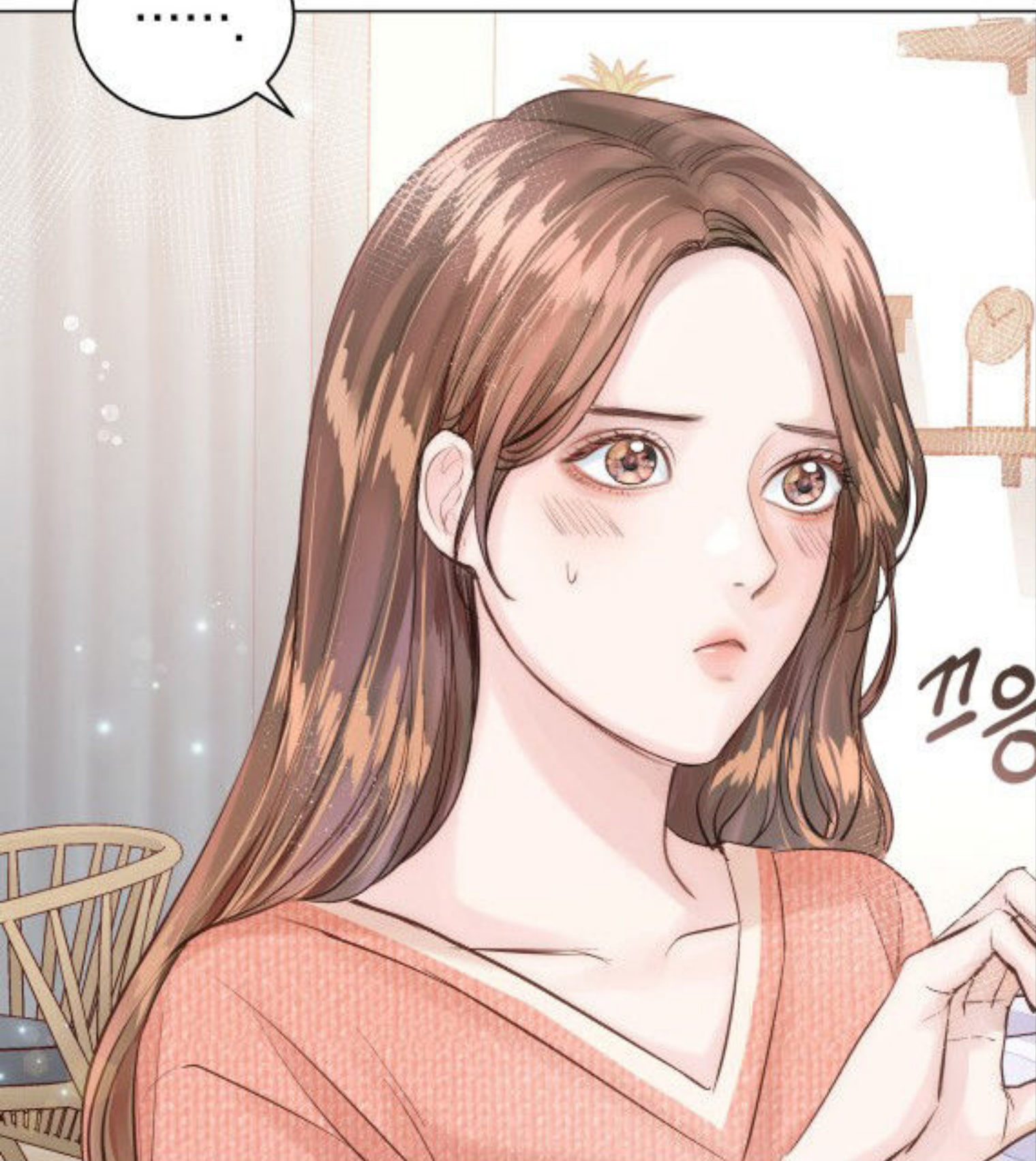
چی میگي؟!
زود باش برو بیرون!

ای!

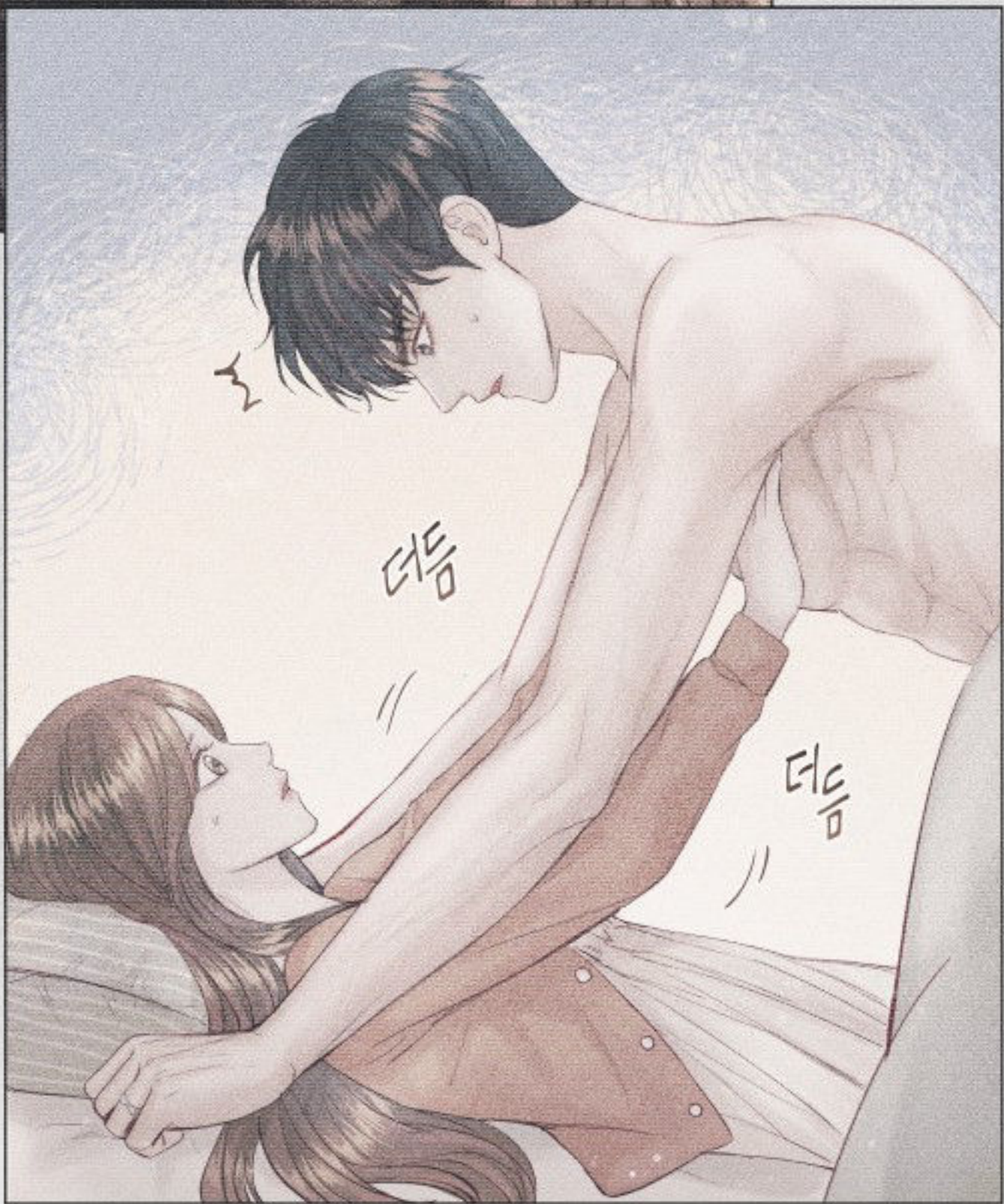




در مورد کاری که
امروز و دیروز کردی
فکر کن



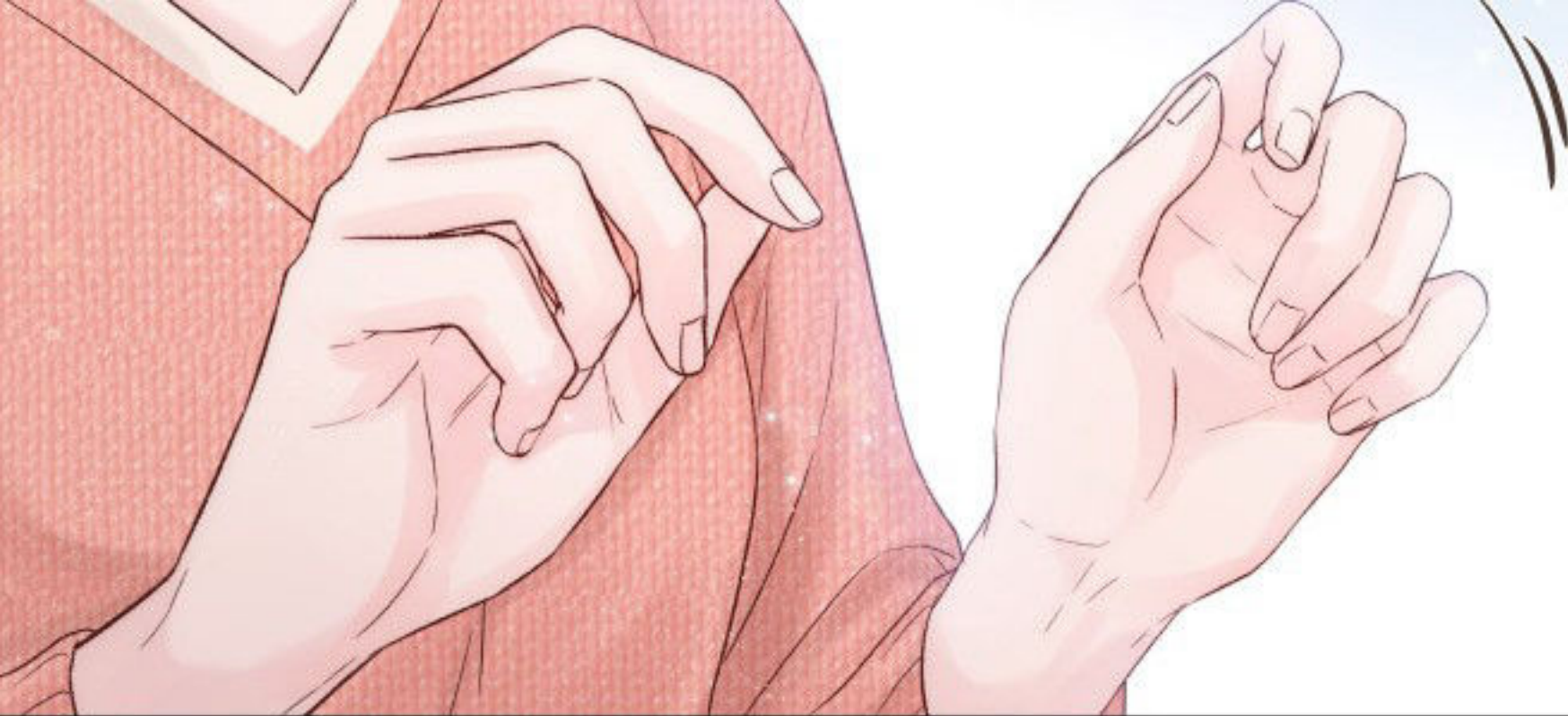
π%..



من تنها کسی بودم
که همه چی رو نشون
داد و تنها کسی بودم
که لمس شد



스즈



متاسفم ولی
بہت گفتم کہ ...



من دیروز یہ
خواب بد دیدم ...

دیشب هم همون
خواب بود رو دیدی؟



نه ولی تاثیرات
بعدش به نظر میاد
طولانی مدت باشه



برو بیمارستان





یه نوبت
برات میگیرم بری
پیش یه مشاور باهوش
صحبت کنی





امروز

نه خوبم



لازم نیست سر
یه همچین چیزی برم
بیمارستان



اگه مشکلی
داشته باشی اونجا
تشخیص میدن

صبر کن!
یه روز! فقط یه روز
به هم وقت بده!

بیا فردا دوباره
حرف بزنیم

ایست!

فقط یه مدت لازم
دارم تا یکم آرام بشم
و فکر هامو جمع و
جور کنم

"تَشْكِلات"

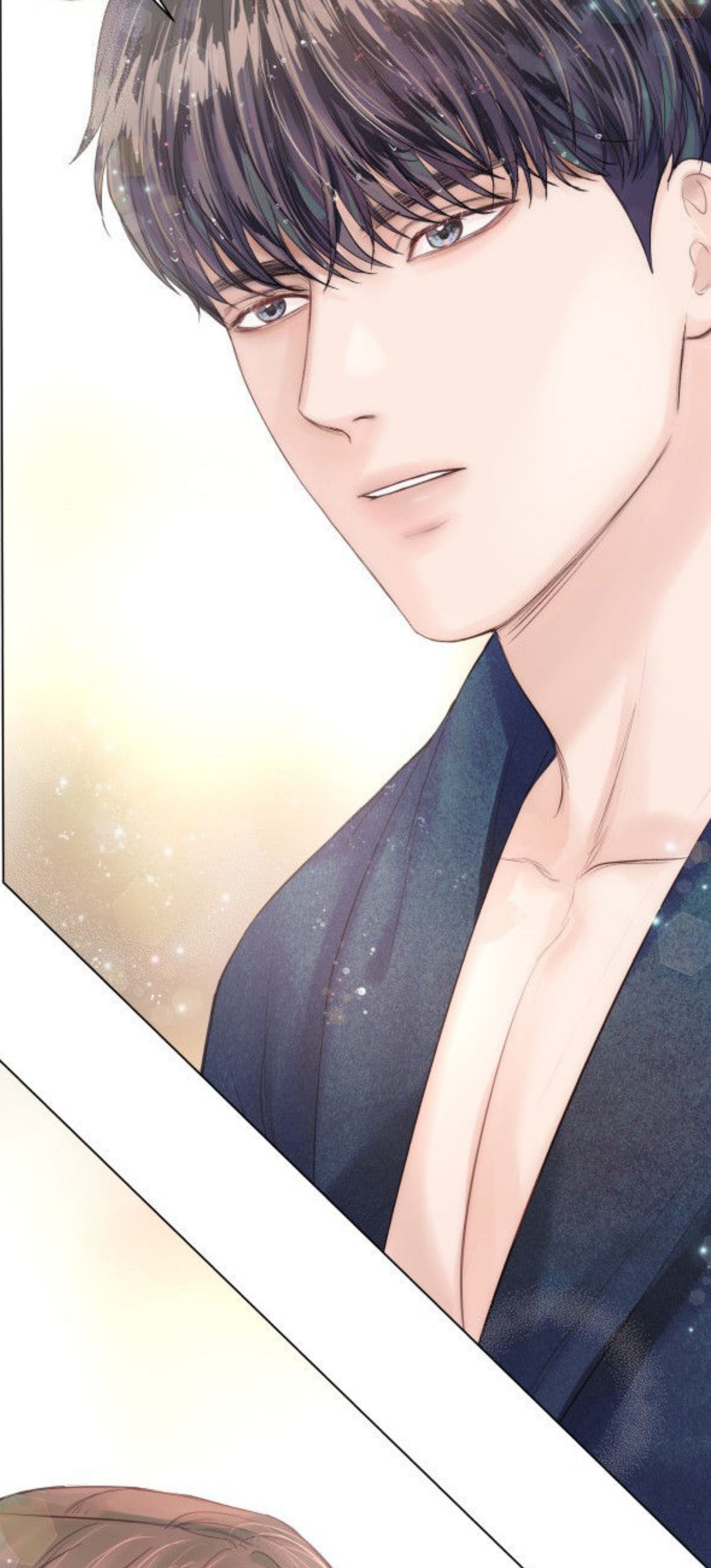
منظورش چی بود ؟

بیا به مدت از هم
جدا زندگی کنیم تا
وقت داشته باشیم
فکر کنیم

اگه کمک لازم
داشتم میام پیشت



فردا صبح





باشه فردا صبح

밤
해피엔딩

각색 불사 그림 재림
원작 플라다





مُدارو شکر

مطمئن شدم
که من به ۱۰۰ روز
قبل برگشتم





و حالا می توئم از
پس این بحران طلاق
بر پیام

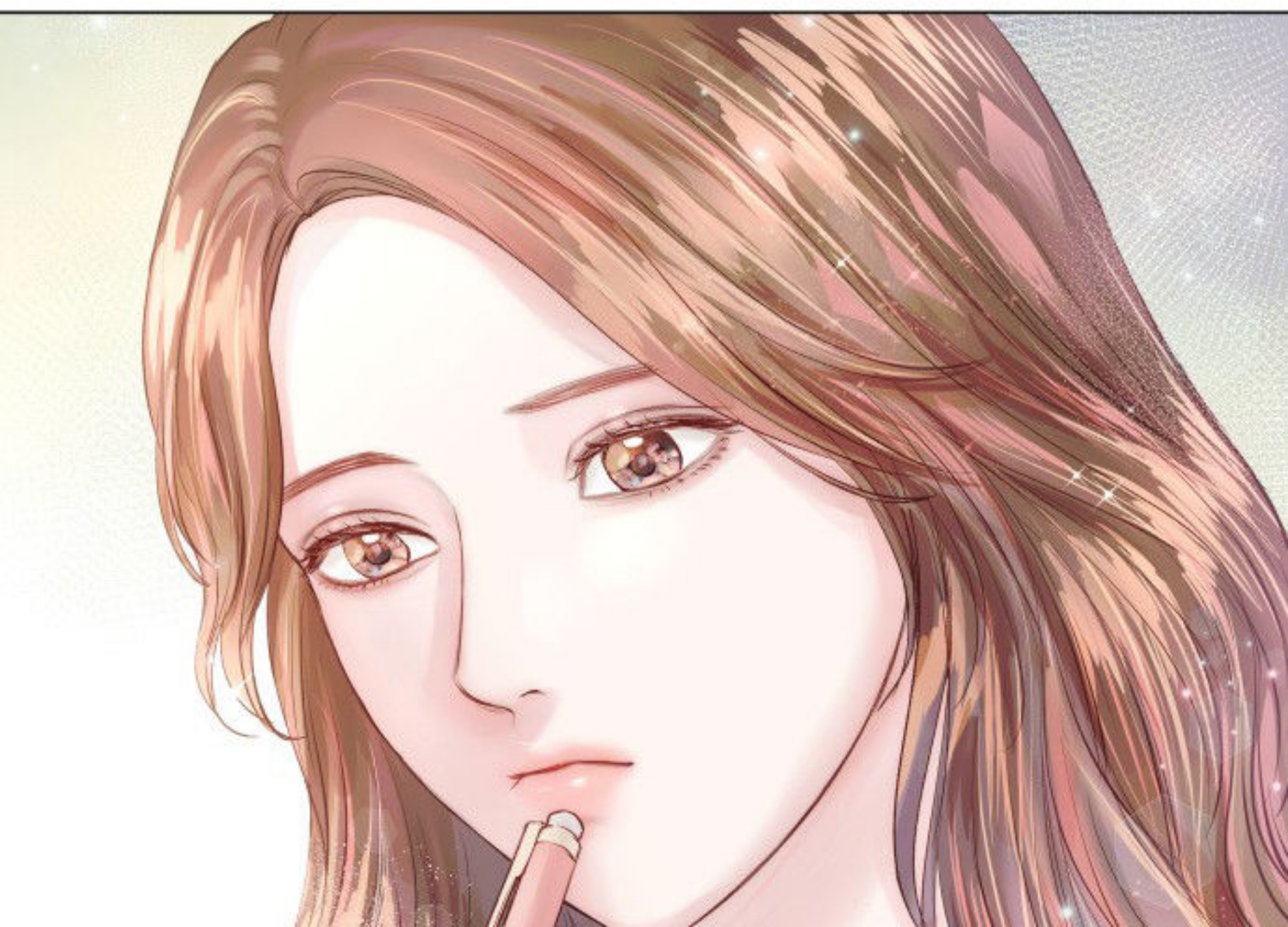


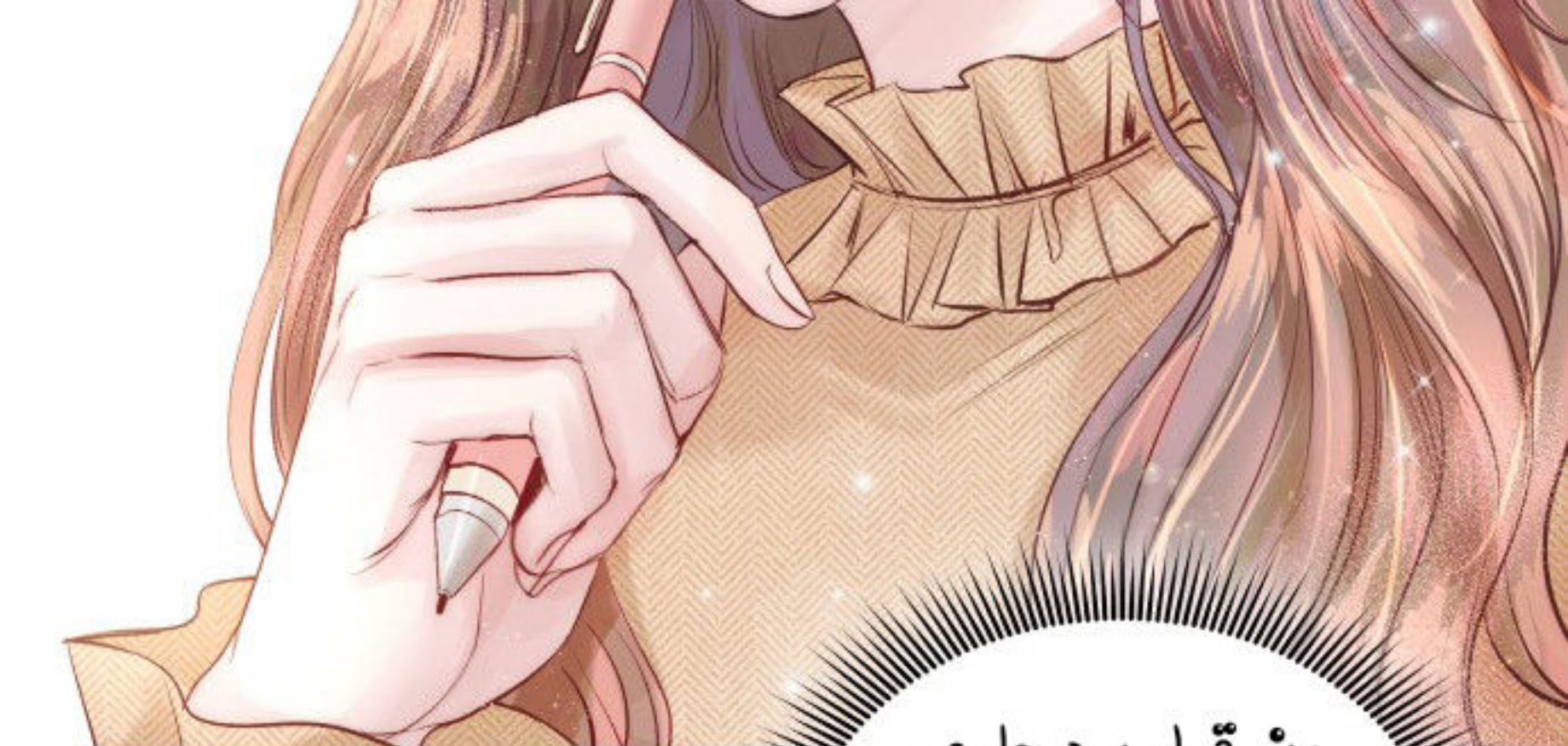


بعد دو سال تونستم
از مرز نامرئی پین
مون رد بشم



ولی الان باید
چی کار کنم؟





من قرار بود جلوی
این طلاق رو بگیرم ولی
هنوز به چیزی درست
نیست





شاید دقیقا مثل
گذشته باشه



تا دو ماه
دیگه هم این کار
رو نکن

هنوزم وقتی هست
که همون جمله ها رو میگه



می خوام از
هم دیگه جدامون
کنم

اول باید هر
چی از گذشته یادم
میداد بنویسم



واسه اینکه
همه چی درست
پیش بره...





باید قبلش پیش
دستی کنم و برنامه
داشته باشم ...

ا.....؟

۲۵ نوامبر
عروسی بچه عموی دوم
۲۰ ژوئن
تولد ۶۰ سالگی پدر شوهرم
۱ فوریه
روزی که برگه های طلاق رو بهم داد
۱۶ فوریه
سونبه اومد به خونه ام
۲ مارس
طلاق گرفتیم
۳۱ سونبه



روزی که بعد از اینکه
سونبه سوخت؟؟؟



روزی که برگه های طلاق اومد آسیب دید
و قبل اینکه بهتر بشه لُج شو باز کرد



روزی که
سوئیه آسیب دید اول
فوریه بود

قبل از اینکه
خوب بشه بازش کرد

و قبل از
اینکه ماه تموم بشه
گچ شو باز کرد

ولی سوئپه ای که
من ۱۶ فبیره دیدم ...



کچی دستش نبود ...

یعنی دروغ گفت؟



چرا؟



نمی توانم...

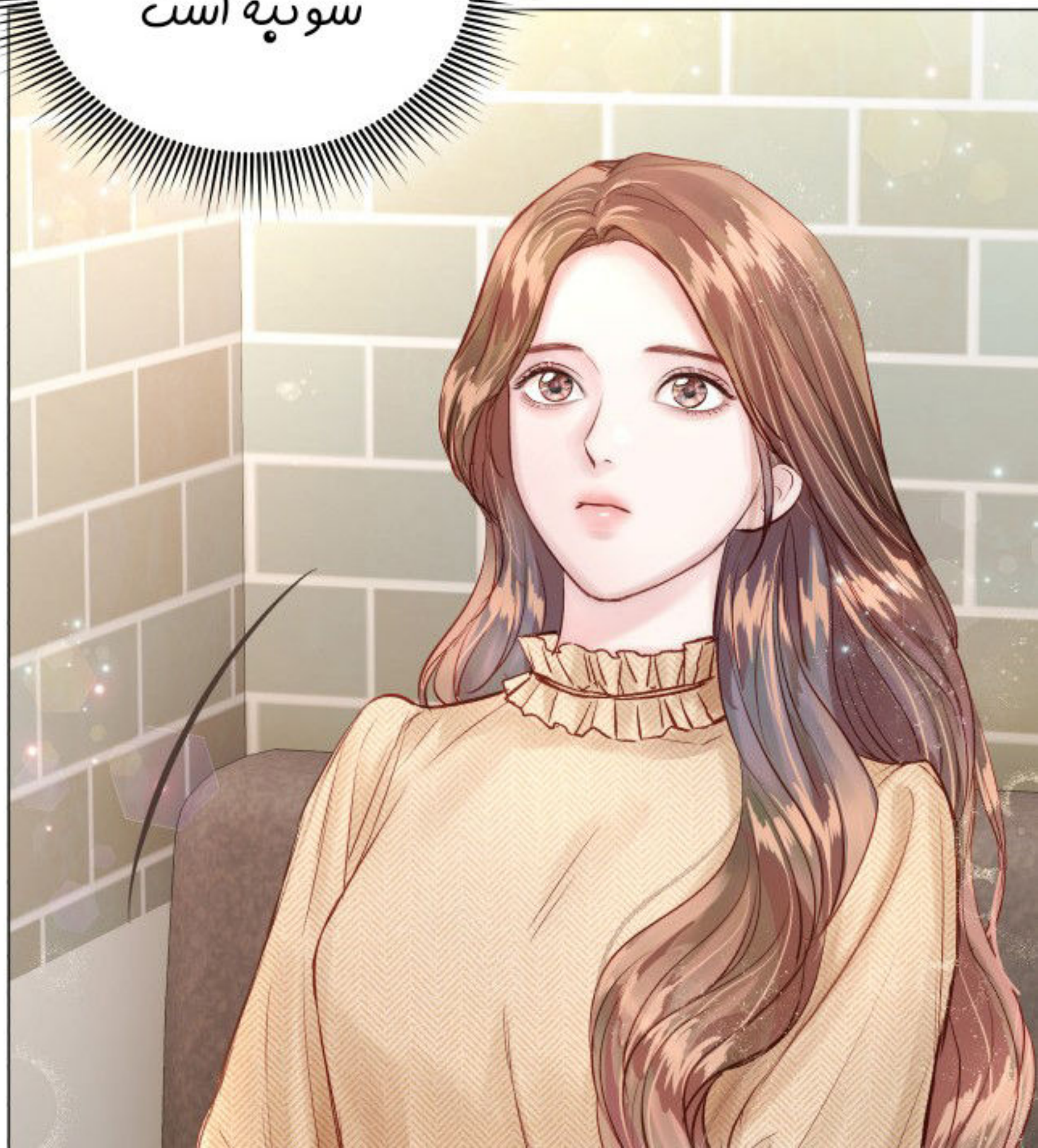


آه...



جوابی پیدا کنم

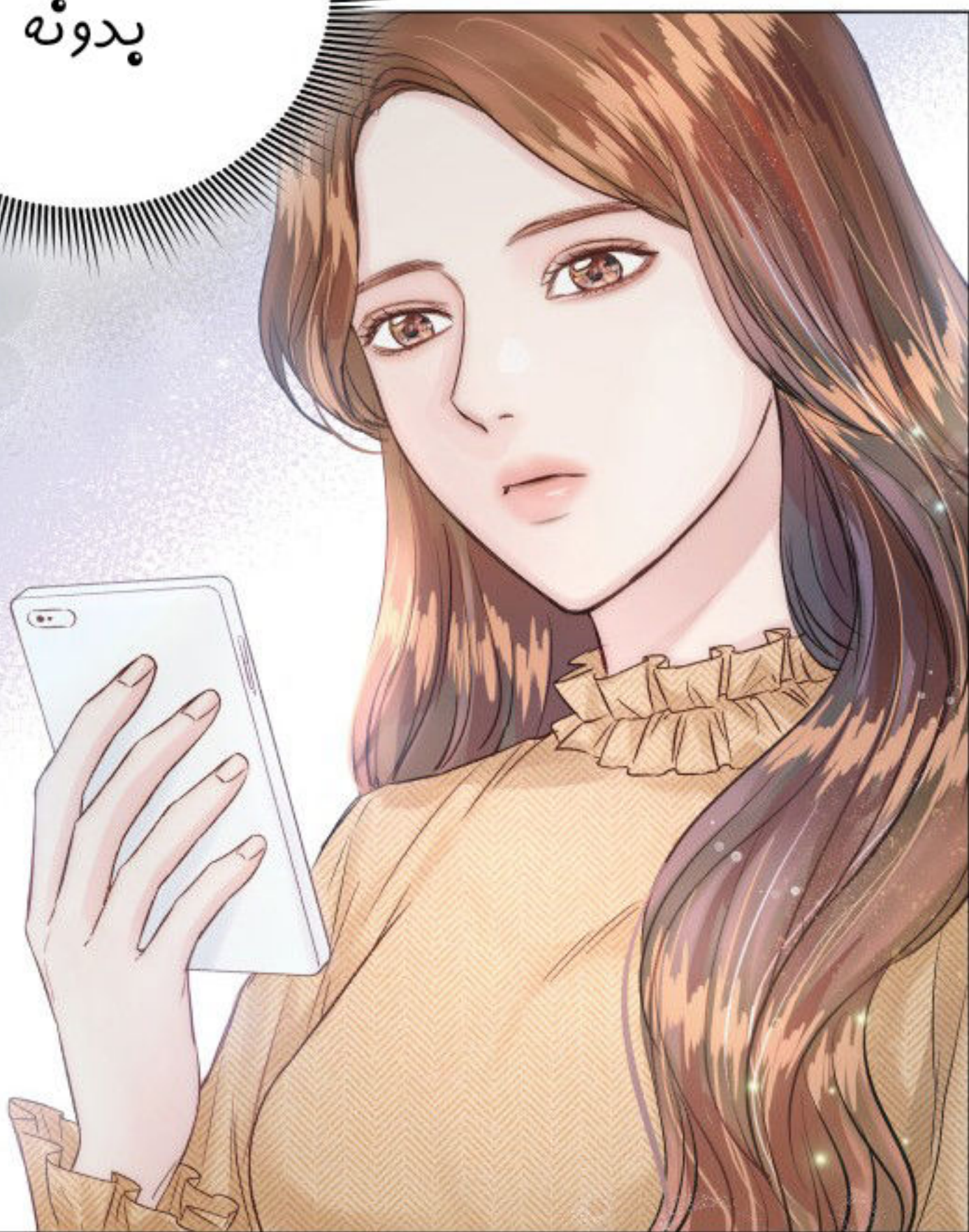
هدف من نجات
سونیه است





ولی واقعا هیچی
در موردش نمی دونم

ولی ماما تم ممکنه
بدونه



اگه هم ندونه
پرسیدنش ضرری
نداره



نهایتش زدن یه
دکمه است



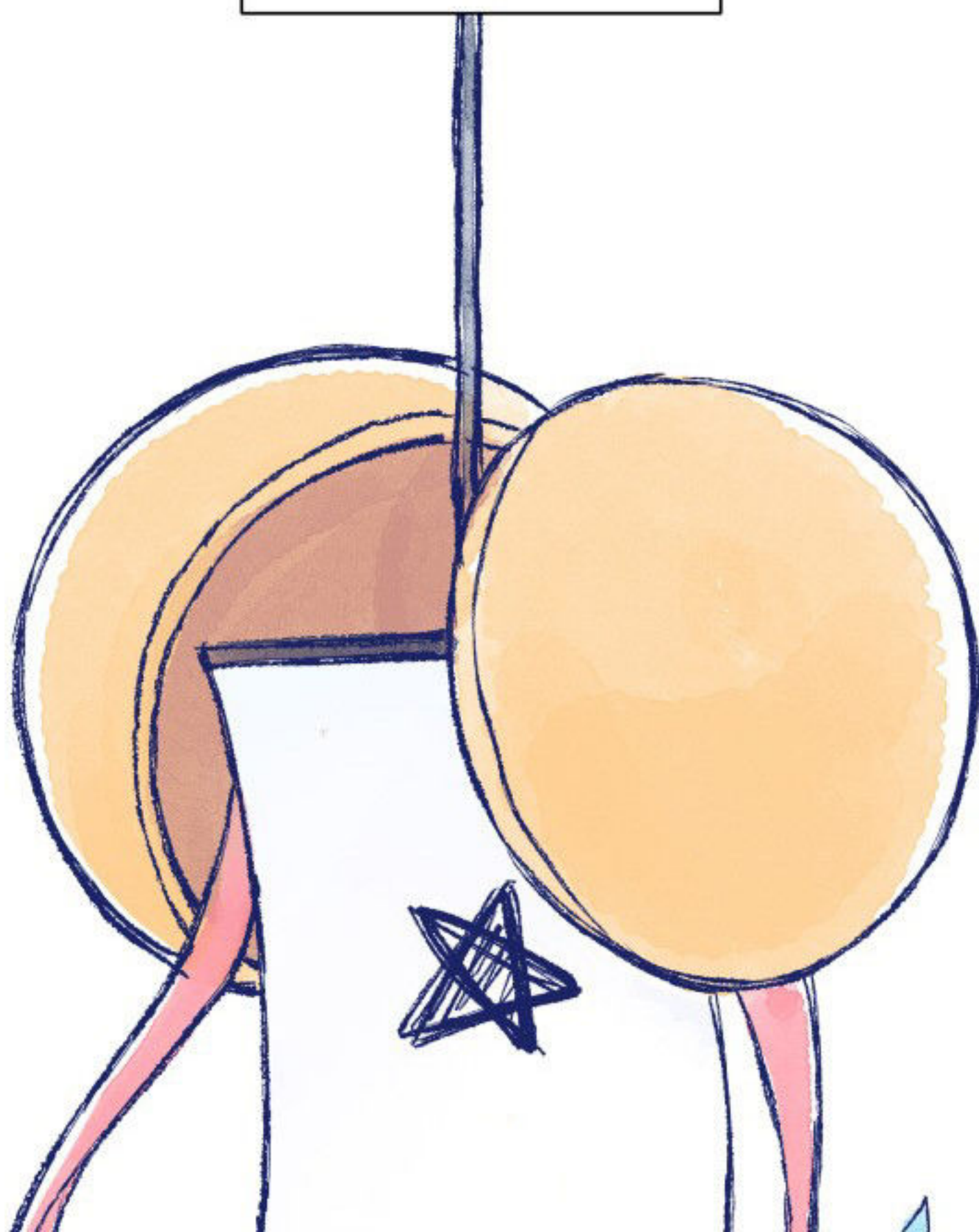
حتی اگه قدرت کافی
واسه واسه انجامش تو بار
اول رو نداشته باشم



سلام مادر،
منم یون وو

بازم امتحان می کنم...

بلاخره آخرش به
راهی پیدا میشه



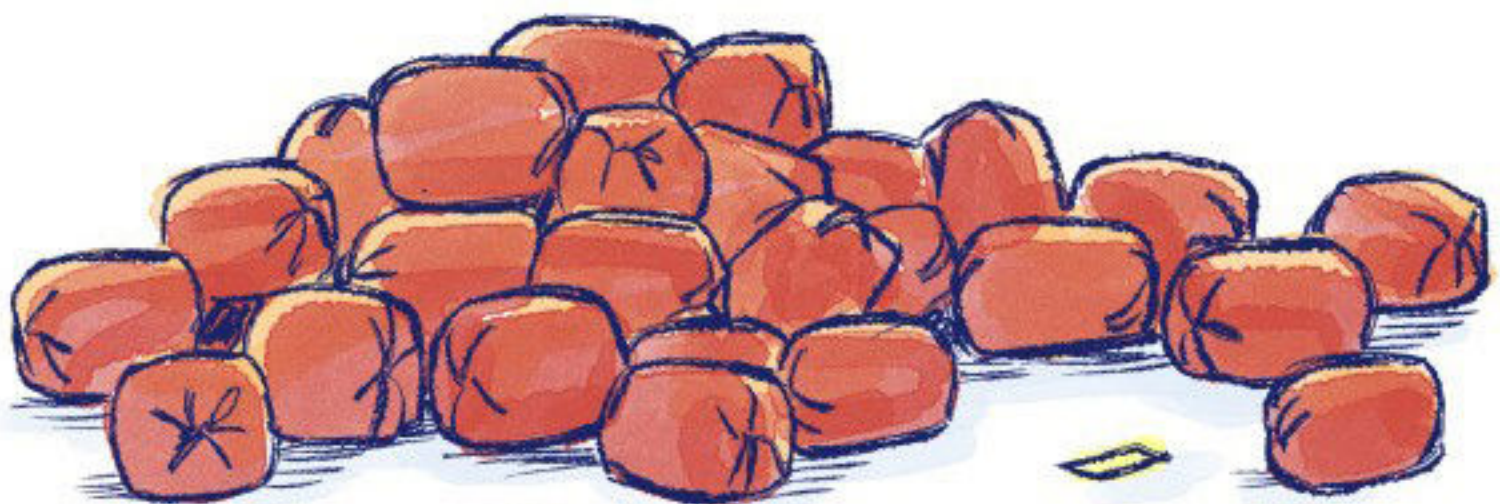
کانگ

سوخ به

نجات

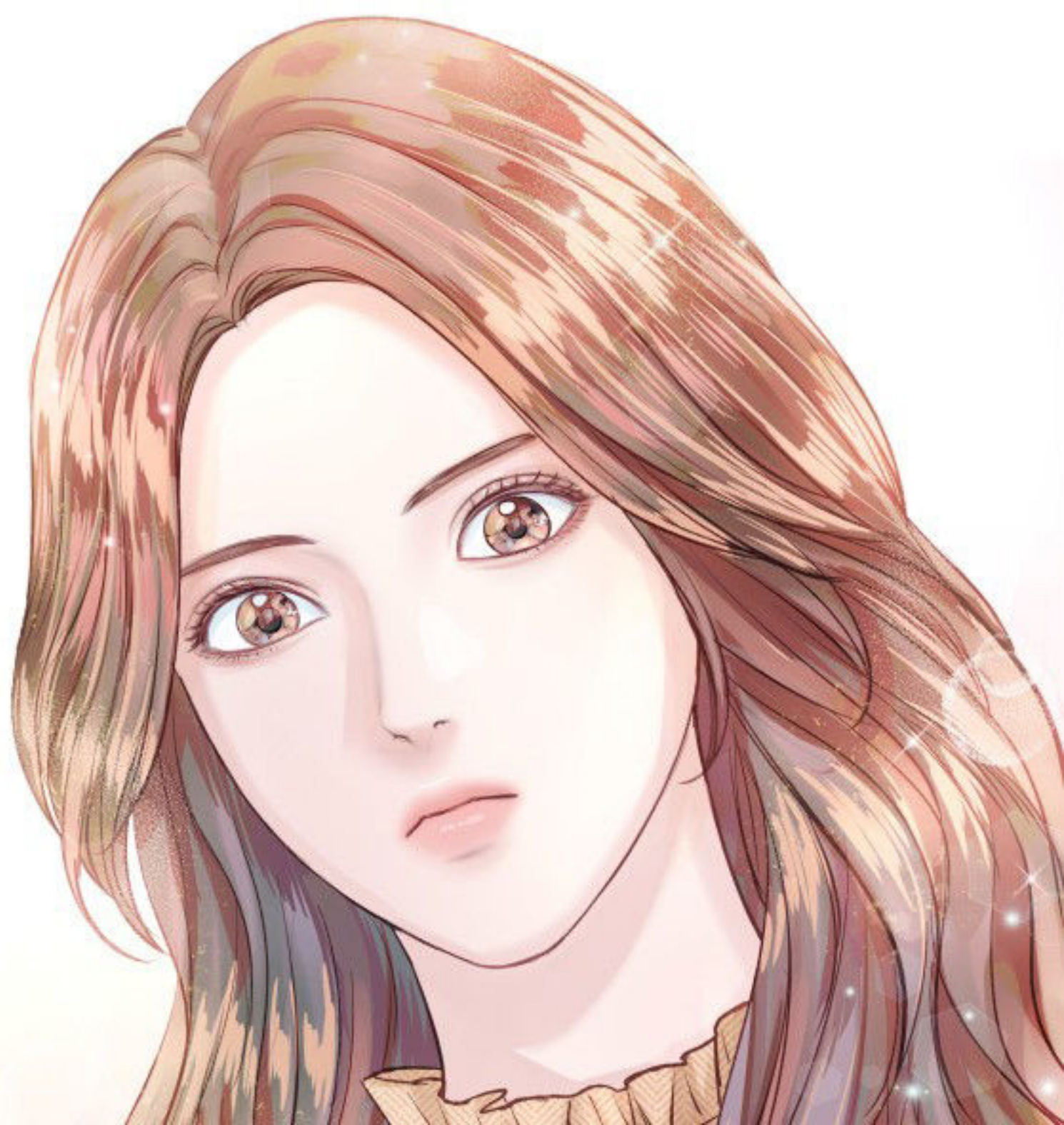
پیدا

مرکبه



مادر اشكال نداره
اگه من بياهم يه سرى
بهتون بزنم؟

تو ميتونى
لى يون وو





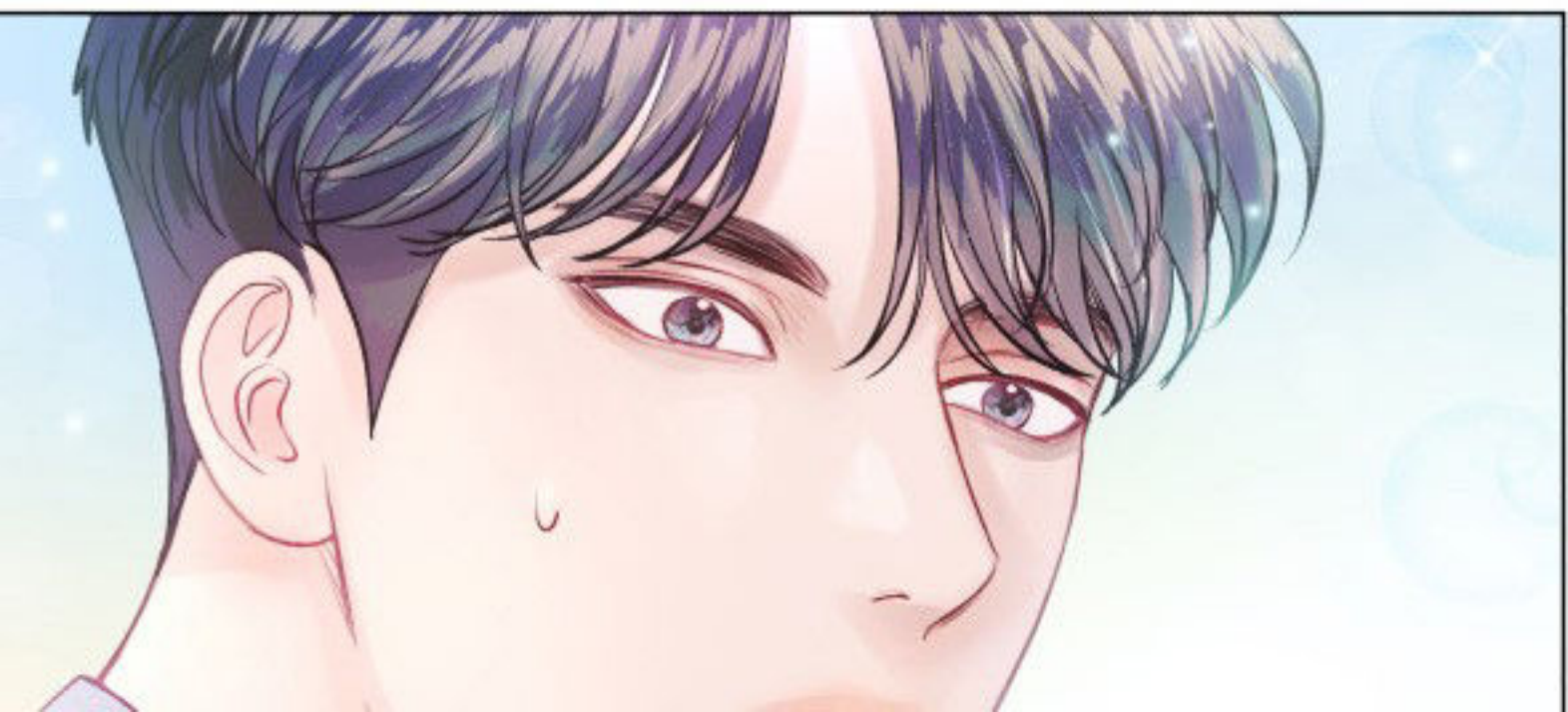
من این نقشه ای که
کشیدم ادامه میدم تا جون
یه آدم رو نجات بدم

غمّت نباشه
کانگ سون جه



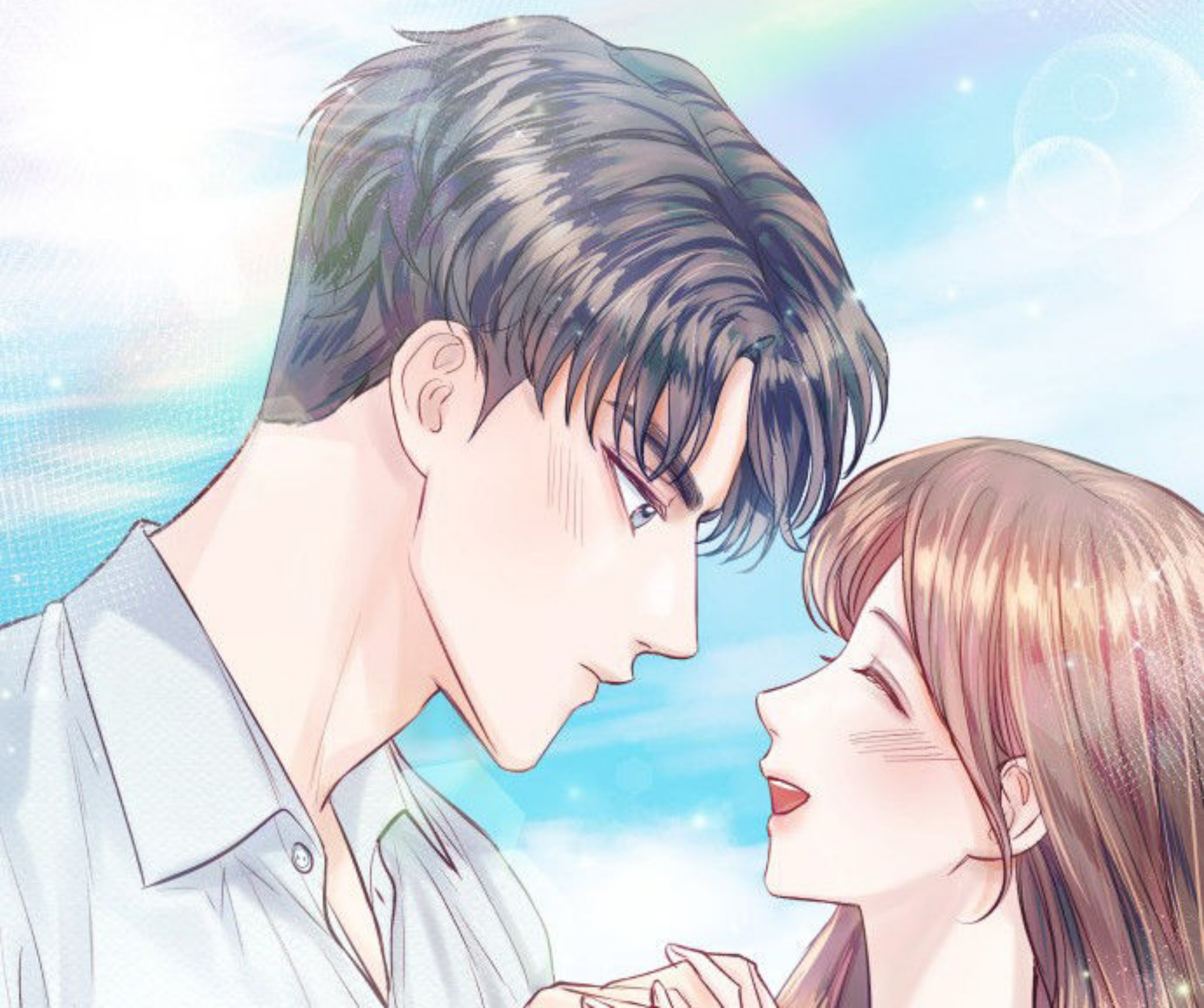
تو این زندگی
من حتما ...

گرفتن *





بہت





یه پایان شاد میدم

원고 도움 수리 또바기
승연 아노마
은지

제작 **COPIN**



An illustration of a man and a woman standing behind a light-colored wooden table. The man, on the left, has dark hair and is wearing a dark grey cardigan over a light-colored t-shirt. He is holding a clear glass of water in his right hand. The woman, on the right, has long, wavy brown hair and is wearing an orange cardigan over a white dress with a pink bow at the neckline. She is holding a dark grey mug in her right hand. A speech bubble is positioned to the right of the woman, containing Persian text.

جوین شدن
تو چنل لایک و
کامنت یادت نره